



# راهنمای بر نظریه انتقاد و فرهنگ

ویراست دوم



ویراستاران:  
سایمن مالپاس  
پاول ویک

به کوشش:

دکتر طاهره رضایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



تهران، ۱۴۰۲

عنوان و نام پدیدآور : راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی/ویراستاران سایمن مالپاس، پاول ویک؛ به کوشش طاهره رضایی؛ ویراستار ساسان اسدپور.

مشخصات نشر : تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ۳۷۲ ص.

شابک : 978-622-6070-59-1

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان اصلی: The Routledge companion to critical and cultural theory, 2nd ed., 2013.

عنوان دیگر : درآمدی بر نظریه انتقادی.

موضوع : نقد

موضوع : نقد فلسفی

شناسه افزوده : مالپس، سایمون، ۱۹۶۹-م، ویراستار

شناسه افزوده : ویک، پل، ویراستار

شناسه افزوده : رضایی، طاهره، ۱۳۶۴- فروردین-

رده‌بندی کنگره : PNA1

رده‌بندی دیویی : ۸۰۱/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : ۹۱۵۳۳۹۲

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان شهید سلیمان خاطر، کوچه مسجد،

پلاک ۱۹، واحد سه، کدپستی: ۱۵۷۸۷۱۵۹۱۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۹۱۶۴ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

تارنما: www.booka.ir

رایانامه: info@booka.ir

**The Routledge Companion to  
Critical and Cultural Theory**

Simon Malpas  
Paul Wake

**راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی**

ویراستاران: سایمن مالپاس و پاول ویک  
به کوشش: دکتر طاهره رضایی  
(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

چاپ و صحافی: هنگام

مدیر تولید: احمد رضایی

چاپ: اول، ۱۴۰۲

صفحه‌آرا: آزاده پورجواد

ویراستار: ساسان اسدپور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۵۹-۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

**همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است**

## تقدیر و تشکر

اساتید و محققانی که ترجمه فصول را عهده‌دار شدند، هر یک در آن حوزه صاحب نوشته‌ها و تحقیقاتی هستند و دانش آنها در کنار نازک‌سخنی‌شان، ظرافتی شایسته تقدیر را چاشنی ترجمه فصل‌ها کرده است. بر خود واجب می‌دانم از همکاری همه این عزیزان تشکر کنم که بدون چشمداشت این مجموعه را از علم خود غنی نمودند. همین‌طور از آقای دکتر مهدی محمدی‌بیگی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پی‌گیر کارهای اداری و انتشار این کتاب بودند سپاسگزارم. قدردان زحمات جناب آقای دکتر مصطفی حسینی نیز هستم که در انتخاب واژگان تخصصی و یکدست نمودن متون با پیشنهاد منابع متعدد، بنده را یاری نمودند. همچنین، از تلاش‌های جناب آقای دکتر احمد رضانی، مدیرمسئول محترم نشر بوی کاغذ (بوکا)، برای انتشار این عنوان سپاسگزارم.

### طاہرہ رضایی

عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه علامه طباطبائی  
عضو کمیته زبان انگلیسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

[www.booka.ir](http://www.booka.ir)

## فهرست مطالب

معرفی مترجمان .....	۹
مقدمه ویراستاران بر ویرایش نخست .....	۱۳
مقدمه ویراستاران بر ویرایش دوم .....	۱۷
بخش اول: مقالات آغازین .....	۲۱
فصل نخست: نظریه، تاریخچه، زمینه .....	۲۳
دهه ۱۹۵۰: ساختارگرایی و مطالعات فرهنگی .....	۲۵
نظریه میدان دار می‌شود: دهه ۱۹۶۰ .....	۲۷
روزگار جدید، جنبش‌های اجتماعی جدید: دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ .....	۳۲
از دهه ۱۹۹۰ تا زمان حال: نظریه به بازار می‌رود .....	۳۵
منابعی برای مطالعه بیشتر .....	۳۷
فصل دوم: ساختارگرایی و نشانه‌شناسی .....	۳۸
معناشناسی مقدماتی: «پیردختر» چیست؟ .....	۳۸
ساختارگرایی .....	۳۹
نشانه‌شناسی .....	۴۸
منابعی برای مطالعه بیشتر .....	۵۲
فصل سوم: روایت و روایت‌شناسی .....	۵۵
داستان و پیرنگ .....	۵۷
زمان .....	۶۰
روایتگری و کانونی‌شدگی .....	۶۳
الگوی ارتباط روایی .....	۶۶
سطوح روایت، فراداستان و پسامدرنیسم .....	۷۰
نظریه روایت به مثابه نظریه نقادانه .....	۷۲
منابعی برای مطالعه بیشتر .....	۷۵

۷۷	فصل چهارم: مارکسیسم
۷۸	مارکس
۸۲	مکتب فرانکفورت: سرمایه‌داری و چیزهایی مانند آن
۸۵	فرهنگ سیاسی و مقاومت
۸۷	پسامارکسیسم و نظریه گفتمان
۹۱	ژنک: بازگشت به مارکس
۹۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۹۷	فصل پنجم: پساپاخترگرایی
۹۷	شیوه خوانش
۹۸	برساختن معنا
۹۹	دال
۱۰۱	تفاوت (نه تفاوت)
۱۰۱	پس هیچ خبر خوشی در کار نیست؟
۱۰۲	تفسیر
۱۰۴	مخاطب قرار دادن خواننده
۱۰۵	نقش فعال خواننده
۱۰۶	واسازی
۱۰۸	میل
۱۱۰	معما
۱۱۱	چرا باید خواند؟
۱۱۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۱۵	فصل ششم: تاریخ‌گرایی
۱۱۷	تاریخ‌گرایی
۱۲۱	تاریخ‌گرایی نو
۱۲۷	ماتریالیسم فرهنگی
۱۲۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۳۱	فصل هفتم: نقد روان‌کاوانه
۱۳۱	زیگموند فروید
۱۴۰	ژاک لکان
۱۴۸	منتقدان روان‌کاوی

۱۵۰.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۱۵۲.....	<b>فصل هشتم: واسازی</b> .....
۱۵۲.....	واسازی چیست؟.....
۱۶۳.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۱۶۵.....	<b>فصل نهم: فمینیسم</b> .....
۱۸۰.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۱۸۲.....	<b>فصل دهم: پسامدرنیسم</b> .....
۱۸۲.....	پسامدرن به چه معناست؟.....
۱۸۵.....	تعیین جا کردن پسامدرن .....
۱۸۸.....	پسامدرنیته .....
۱۹۱.....	تناقض‌های پسامدرن .....
۱۹۷.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۲۰۰.....	<b>فصل یازدهم: نژاد و پسااستعمار</b> .....
۲۰۲.....	نژاد.....
۲۰۷.....	پسااستعمار .....
۲۱۴.....	نتیجه .....
۲۱۶.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۲۱۸.....	<b>فصل دوازدهم: پسانسان گرایی</b> .....
۲۳۱.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....
۲۳۳.....	<b>فصل سیزدهم: نظریه سبز</b> .....
۲۳۴.....	طبیعت و فرهنگ .....
۲۳۵.....	سبز شدن .....
۲۳۸.....	پیشینه نظریه سبز .....
۲۴۰.....	«جاندارى که از نمادها استفاده می کند» .....
۲۴۲.....	«جدافتاده از وضعیت طبیعی» .....
۲۴۴.....	«انگیخته سلسله مراتب» .....
۲۴۶.....	«فرسوده از کمال» .....
۲۴۹.....	منابعی برای مطالعه بیشتر .....

۲۵۱.....	<b>فصل چهاردهم: مطالعات تروما</b>
۲۵۷.....	شهادت.....
۲۵۹.....	خاطره، تروما و هم‌حسی.....
۲۶۳.....	حافظه چندوجهی و پسااستعماری.....
۲۶۵.....	منابعی برای مطالعه بیشتر.....
۲۶۷.....	<b>بخش دوم: واژه‌نامه توصیفی</b>
۳۶۱.....	نمایه (نام‌ها).....
۳۶۵.....	فهرست اصطلاحات.....

www.booka.ir



## معرفی مترجمان

اساتید و پژوهشگرانی که در ترجمه این کتاب سهمی داشتند به اختصار و بر اساس حروف الفبا معرفی می‌شوند.

**امیری، سپروس:** در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان است. ادبیات پسااستعمار، ادبیات زنان در مهاجرت و ادبیات پسا ۹/۱۱ از تخصص‌های ایشان است که در این باب مقالات علمی-پژوهشی و بین‌المللی متعددی از ایشان منتشر شده است.

**امینیان توسی، امیر:** دانشجوی دوره دکتری ادبیات انگلیسی در دانشگاه شیراز است. ایشان در حال نگارش رساله خود در باب ماتریالیسم فرهنگی است.

**پورصنعتی، سوسن:** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی است. او در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده است. وی در مقطع دکتری به پژوهش در مورد اشعار شیموس هینی، شاعر معاصر ایرلندی، پرداخته و موضوعاتی چون تاریخ‌گرایی و استعمار در آثار این شاعر را بررسی کرده است. مطالعات ایرلند، مطالعات پسااستعماری، شعر دوره رمانتیک، شعر معاصر و فمینیسم حوزه‌های پژوهشی موردعلاقه او هستند. ایشان به تازگی تحقیق در مورد شاعران زن معاصر ایرلندی و اسکاتلندی را آغاز کرده است.

**ترکمن‌نژاد، حسین:** فارغ التحصیل دکتری زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران است و مقاطع کارشناسی ارشد و کارشناسی را نیز در همین رشته و دانشگاه سپری کرده است. در حال حاضر، در دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبائی و دانشگاه شهید بهشتی تدریس می‌کند و سابقه تدریس در دانشگاه صنعتی شریف را در کارنامه خود دارد. تاکنون چندین ترجمه از او به چاپ رسیده است، از جمله *دیوانگی* (اوراسیو کاستیانوس مویا، نشر خوب، ۱۳۹۹)، *نظریه عمومی جادو* (مارسل موس، نشر مرکز، ۱۳۹۷) و *سیلماریلیون* (جی. آر. آر. تالکین، نشر غنچه، ۱۳۹۳).

**توکلی شاندیز، ابوالفضل:** دانش‌آموخته رشته فلسفه هنر از دانشگاه هنر است. ترجمه متون فلسفی، متون هنری و فلسفه هنر و ادبیات از علائق ایشان است که در این حوزه مقالات و کتاب‌های متعددی تألیف و ترجمه کرده‌اند، از جمله *پل ریکور، روایت و اخلاق* (نشر بوی کاغذ، ۱۳۹۸).

**حبیب‌زاده، حامد:** دانش‌آموخته دانشگاه تهران در رشته ادبیات انگلیسی و از سال ۱۳۷۵ عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان است. ایشان علاوه بر تدریس، به امر ترجمه و پژوهش نیز اشتغال دارند. حوزه‌های موردعلاقه ایشان مطالعات مربوط به هویت، داستان و سینما است و از ایشان آثار متعددی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

**حری، ابوالفضل:** ادیب‌پژوه و مترجم ایرانی و استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک است. ایشان نامزد دریافت قلم بلورین در رشته نقد در ششمین جشنواره مطبوعات و برنده لوح زرین و قلم بلورین در نهمین دوره این جشنواره بود. حری از داوران جایزه ابوالحسن نجفی و کتاب سال ایران است و برای نگارش کتاب *کلک خیال‌انگیز: بوطیقای ادبیات وهمناک، کرامات و معجزات* (نشر نی، ۱۳۹۳) برنده جایزه ادبی جلال آل احمد شد. همچنین، حری برای طرح پژوهشی با عنوان «بررسی سبک صالح حسینی در مقام مترجمی ادبی در ترجمه‌های فارسی به سوی فانوس دریایی و خشم و هیاهو» برگزیده پنجمین دوره جشنواره فارابی شد.

**حسن‌پور دربندی، علی:** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات انگلیسی است و پژوهشگر حوزه ادبیات آمریکا، و فلسفه و ادبیات در دانشگاه تهران است. وی به پژوهش در حوزه‌های متنوعی از جمله خوانش‌های مختلف از نویسندگان رمان قرن هجدهم، دریافت شکسپیر در کشورهای مختلف و نویسندگان برجسته آمریکایی در قرن نوزدهم از جمله هاتورن، پو<sup>۲</sup> و ملویل<sup>۳</sup> علاقه‌مند است. از او آثاری در مجلات علمی-پژوهشی داخلی و بین‌المللی به چاپ رسیده است.

**حسینی، مصطفی:** استادیار دانشگاه همدان در گروه زبان‌های خارجی است. از ایشان مقالاتی در مجلات علمی-پژوهشی منتشر شده از جمله نامه فرهنگستان، مطالعات زبان و ترجمه، و پژوهش‌های ادبیات تطبیقی.

**حنیف، محسن:** دانش‌آموخته دانشگاه تهران و دانشیار رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه

1. Hawthorne, Nathaniel
2. Poe, Edgar Allan
3. Melville, Herman

خوارزمی است. از ایشان مقالات متعددی در مجلات علمی-پژوهشی داخلی و بین‌المللی منتشر شده است. انتشارات ایشان در حوزه ادبیات پسااستعمار، ادبیات اقلیت‌های نژادی آمریکا، و رئالیسم جادویی است. ایشان برای کتاب *بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران* (انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷) در سال ۱۳۹۸ برنده جوایز متعددی از جمله دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد، سی و هفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و هفدهمین جشنواره قلم زرین شده است.

**ذکاو، مسیح:** پژوهشگر پسادکتری بنیاد اکساندر فون هومبولت<sup>۱</sup> در دانشگاه فلنزبورگ<sup>۲</sup> آلمان است. پژوهش‌های او بر کارکردهای سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی طنز تمرکز دارند. کتاب *طنز، شوخ‌طبعی و بریناخت هویت*<sup>۳</sup> او در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات جان بنجامینز<sup>۴</sup> چاپ شد. او اکنون در حال نگارش کتابی درباره آثار زیست‌محیطی طنز برای انتشارات راتلج<sup>۵</sup> است.

**غفاری، محمد:** دانش‌آموخته دکتری ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز و عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اراک، پژوهشگر و مترجم در حوزه نظریه ادبیات و فلسفه ادبیات است. علاوه بر انتشار چندین جستار در نشریه‌های گوناگون دانشگاهی و عمومی، پیش از این دو کتاب *مبانی سبک‌شناسی* (پیتر وردانک، ویراست دوم، نشر نی، ۱۳۹۳) و *زبان‌شناسی و رمان* (راجر فالور، ویراست دوم، نشر نی، ۱۳۹۶) با ترجمه او منتشر شده‌اند. وی، همچنین، در انتشار دو مجموعه مقاله زیر مشارکت کرده است: *مارکسیسم و نقد ادبی* (نشر نگاره آفتاب، ۱۳۹۲) و *نشانه‌شناسی: مقالات کلیدی* (نشر مروارید، ۱۳۹۶). حوزه‌های پژوهشی وی عبارتند از ساختارگرایی و پساساختارگرایی، فلسفه تحلیلی ادبیات، و ادبیات تطبیقی.

**قربان صباغ، محمودرضا:** دانشیار گروه زبان انگلیسی در دانشگاه مشهد است. وی به پژوهش در حوزه مطالعات روان‌کاوی در ادبیات مشغول است و سبک‌شناسی، روایت‌شناسی و اقتباس سینمایی از علائق وی است. کتاب‌ها و مقالاتی نیز در این زمینه از ایشان منتشر شده است. از جمله کتابی درباره شکسپیر که در سال ۲۰۱۶ توسط انتشارات پژوهشگران کمبریج<sup>۶</sup> منتشر شد.

**گودرزی، عباس:** دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی همدان

1. Alexander von Humboldt Stiftung /Foundation
2. Europa-Universität Flensburg
3. *Satire, Humor and the Construction of Identities*
4. John Benjamins Publishing
5. Routledge
6. Cambridge Scholars Publishing

است. علاوه بر تدریس انواع دروس زبان و ادبیات انگلیسی، ایشان به کار ترجمه نیز اشتغال دارد و تاکنون چند کتاب نزد انتشارات کتاب پارسه منتشر کرده است که مهم‌ترین آنها یکی از کهن‌ترین حماسه‌های به جا مانده از دوران انگلیسی باستان است که تحت عنوان *حماسه بیوولف و دیگر اشعار انگلیسی باستان* (کنستانس ب. هیات، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۵) به چاپ رسیده است؛ و دیگری اثر معروف ویلیام شکسپیر، *رومئو و ژولیت* (بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۷) است که توسط او ترجمه و به چاپ رسیده است.

**نجفی، محمدعلی:** رئیس کمیته زبان دانشگاه علوم پزشکی کرمان است. ایشان دکتری خود را در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران کسب کرده است و حوزه تخصصی ایشان ادبیات و آموزش الکترونیک است.

WWW.BOOKSIR.COM

## مقدمه ویراستاران بر ویرایش نخست

ترجمه امیر امینیان توسی<sup>۱</sup>

### بررسی نظریه انتقادی

در نظر برخی دانشجویان که نخستین بار با نظریه انتقادی آشنا می‌شوند، ممکن است این نظریه مبهم، اسرارآمیز، و گیج‌کننده باشد و حتی ممکن است عامل حواس‌پرتی نسبت به چیزهای موردعلاقه مانند متون ادبی، کارهای هنری، فیلم‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی، دوره‌های تاریخی یا رفتارها و تجارب موردانتظار در واحدهای درسی مربوط به نقد ادبی، تاریخ هنر، مطالعات رسانه، تاریخ یا روان‌شناسی در نظر گرفته شود، اما هیچ‌کدام از موارد بالا نظریه نیست.

اگرچه ممکن است نوشته نظری اغلب بسیار پیچیده به نظر برسد، از کلمات و طرز فکری خاص استفاده کند و از آنچه احتمالاً اکثر ما آشنایی داریم متفاوت باشد، اما با سوالات، ایده‌ها و موضوعاتی که برای تجربیات هویت، فرهنگ و جامعه ما حیاتی هستند، سر و کار دارد و دقیقاً بر شیوه‌هایی متمرکز می‌شود که طی آن ادبیات، هنر، رسانه، تاریخ و افراد در دنیایی که ما زندگی می‌کنیم، با هم ارتباط دارند و بر هم تأثیر متقابل دارند. نظریه انتقادی به ما اجازه می‌دهد تولید و ارتباط فرهنگی معناها را دقیق و موشکافانه و از دیدگاه‌هایی متفاوت و متعدد بررسی کنیم؛ روش‌هایی را که عادت داشتیم به کار گیریم تا به محصولات مصنوعی فرهنگی، تاریخی یا هنری معنا بخشیم. زیر سؤال می‌برد؛ و ما را تشویق می‌کند تا بر باورها و انتظارات خود درباره روش‌هایی که افراد بر چیزهای مادی و یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند، تجدیدنظر کنیم. اگر بخواهیم تعریفی ساده داشته باشیم، نظریه انتقادی می‌خواهد شناسایی تجربیات فردی که منعکس‌کننده تصویر خودمان است و روشی را که به واسطه آن به خود، فرهنگمان و دنیا معنا می‌بخشیم، توسعه دهد.

نظریه انتقادی به سبب این باور متداول که معنا بدیهی نیست و به سرعت هم دریافت نمی‌شود،

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز.

به رکن ضروری مطالعات پیشرفته در هنر، علوم انسانی و اجتماعی تبدیل شده است. زبان یک محیط شفاف نیست که ایده بتواند به وسیله آن بدون تغییر از ذهنی به ذهن دیگر منتقل شود. در مقابل، همان‌طور که تقریباً تمامی مقالات و مدخل‌ها در این کتاب تأیید می‌کنند، مجموعه‌ای از آداب و رسوم وجود دارند که بر انواع مختلفی از ایده‌ها و تجربیاتی که افراد می‌توانند داشته باشند، تأثیر می‌گذارند یا حتی آنها را تعیین می‌کنند. زبان مقوله فرهنگی است (حتی برخی اندیشمندان ادعا می‌کنند که زبان ماهیت فرهنگ است)، در نتیجه می‌توان آن را به نقد کشید و تغییر داد. برای مثال، اگر معنای زبان شناختی به طور بدیهی ارائه شده بود، چرا باید بیش از یک زبان وجود داشته باشد؟ معنی یک کلمه معنای «بدیهی» آن نیست. در مقابل، معنی‌ها بر اساس ساختارهای پیچیده فرهنگی و زبان‌شناسی به وجود می‌آیند که تفاوت بین حقیقت و دروغ، واقعیت و خیال و خیر و شر را مشخص می‌کنند و به شکل تنگنا با هویت، تجربه، دانش و تمایل ارتباط دارد. نظریه انتقادی با بررسی مراحل که به وسیله آنها متون اهداف و حتی افراد با مجموعه ویژه‌ای از معناها مرتبط می‌شوند، شروع به زیر سؤال بردن قانونی بودن عقل سلیم یا ادعاهای سنتی که در مورد تجربه، دانش و حقیقت بوده‌اند، می‌کند. بر این اساس، نظریه‌های انتقادی گوناگون، بررسی باورهای بنیادی ما را در خصوص وجود داشتن شروع می‌کنند. همچنین ساختارهای راهنما و پنداشت‌های سازمان‌دهی‌کننده تاثیرهای متقابل ما را زیر سؤال می‌برند.

این موضوع در خصوص معنای کار هنری، متن ادبی یا فیلم نیز صادق است. زمانی که نمایشنامه هملت<sup>۱</sup> برای اولین بار اجرا شد، صدها حتی هزاران تحلیل و بحث مختلف در مورد نمایش وجود داشت که هر یک از دیدگاه متفاوتی به آن می‌پرداختند تا انواع مختلفی از بحث و جدل را در مورد تأثیر آن بر خواننده یا مخاطب شکل دهند. اگر تنها یک تفسیر «درست» یا «صحیح» واحد وجود داشت، آیا نباید تاکنون کسی آن را می‌یافت؟ این حقیقت که تفسیر صحیح واحد از آن نمایش وجود ندارد و اینکه نمی‌توان آن را همانند یک فرمول ریاضی حل کرد، برای علاقه‌مندی مداوم به آن ضروری است. نمایشنامه هملت، همانند هر کار هنری یا محصول مصنوعی فرهنگی، می‌تواند به شکل‌های مختلف از دیدگاه‌های گوناگون تفسیر شود تا ایده‌های مختلف و تصاویر متفاوتی را از شیوه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، ارائه کند. مطالعه ادبی، همانند تحلیل در رشته‌های مشابه، ناگزیر قابل تفسیر دوباره، قابل دوباره انجام دادن و بحث مداوم است. و به همین دلیل است که نظریه برای دانشجویان هنر، علوم اجتماعی و انسانی بسیار مهم است. تمامی تفسیرهای چندگانه که برای یک کار، متن، محصول

1. Hamlet

مصنوعی یا اتفاق قابل انجام هستند، بر اساس یک نظریه خواهند بود: مجموعه‌ای از باورها در مورد چیزی که معنی می‌دهد و چیزی که معنا به خودی خود است و نحوه شکل‌گیری ارتباط و چگونگی کار کردن دنیا. هر یک از ما در تعامل‌های روزانه خود با دیگران و با دنیای اطراف چنین باوری را که اغلب پنهان است، در ذهن خود داریم. هدف از بررسی نظریه، آشکار کردن و زیر سؤال بردن آن باورهاست. این امر تأثیر چشمگیری بر خود موضوعات مورد بحث داشته و دارد. نظریه در هر حوزه تحصیلی ایده‌ها را از سایر رشته‌های تحصیلی دریافت می‌کند (برای مثال، نظریه ادبی ایده‌ها را از فلسفه، تاریخ، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و بسیاری موارد دیگر وارد می‌کند) تا شیوه‌هایی را مدنظر قرار دهد که متن و تفسیر با دنیا تأثیر متقابل دارند. اغلب نتیجه چنین قرض گرفتن‌ها و تأثیرهای متقابل این موارد بوده‌اند: به طور اساسی زیر سؤال بردن مواردی که در یک حوزه مطالعاتی در خطر است، سازمان‌دهی مجدد برنامه درسی و مجموعه کتاب‌هایی که باید مطالعه شوند، دوباره مشخص کردن حد و مرزهای رشته‌های مطالعاتی، به این سبب که ایده‌های وارد شده دوباره انجام شده‌اند تا احتمالات و شیوه‌های جدید پژوهش را ایجاد کنند.

نظریه در سال‌های اخیر به خاطر ویژگی‌های خاص خود به عنوان هدف مطالعه در بسیاری از رشته‌ها مانند هنر، علوم اجتماعی و علوم انسانی به طور کامل نهادینه شده است. نظریه انتقادی که اغلب آن را صرفاً «نظریه» می‌نامند، در هر یک از این حوزه‌ها مطالعه را به شکل‌های بسیار گوناگون تغییر داده است و اگر به این دلیل کمتر بحث‌برانگیز شده است که پرسیدن سؤالات انتقادی در مورد روش‌شناسی‌های رشته‌های علمی متداول تر شده است، به هیچ عنوان شور و هیجان و توانایی لازم را برای به چالش کشیدن از دست نداده است. با این حال، خود نظریه نه یک رشته یکنواخت است نه یک جنبش یکپارچه شده. گرچه بسیاری از حد و مرزهای سنتی بین رشته‌های مختلف را از بین برده است، اما این بدین معنا نیست که یک فرارشته از نظریه انتقادی به وجود آمده است. همچنین این گونه نیست که نظریه به سادگی مجموعه‌ای از قوانین و مفاهیم کاملاً تعریف شده را فراهم کرده باشد که بتوان آنها را همانند فرمول‌های ریاضی به سادگی آموخت سپس به طور دلخواه آنها را به کار برد تا حقیقت مربوط به متن، موضوع یا فرهنگ را به دست آورد. مکاتب، اندیشمندان، ایده‌ها و مفاهیم گوناگونی که اجزایی از نظریه انتقادی به شمار می‌روند، باید با توجه به ویژگی‌های خاص خود تفسیر و بررسی شوند و حداقل تا جایی که به عنوان نقد خارج از رشته به کار گرفته می‌شوند، بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های خود قضاوت شوند. اگر فردی حتی برای یک لحظه پیچیدگی ایده‌هایی که به وسیله نظریه‌پردازان انتقادی شکل می‌گیرند و تمایل شدید نظریه برای تأثیر گذاشتن

بر اعتبار و کارایی خود را در نظر بگیرد، این موضوع شگفت‌آور و تعجب‌برانگیز نخواهد بود. با این حال، نظریه انتقادی در هر رشته علمی که ظاهر شود، نقدی جامع و چندوجهی در مورد بسیاری از مهم‌ترین موضوعات و مشکلات ممکن فرد را در جهان حال حاضر فراهم می‌کند. هر فرد علاقه‌مند به فرهنگ خود از سر و کار داشتن با بحث‌ها و دیدگاه‌های متفاوت نظریه‌پردازان و پاسخ دادن به آنچه باید بگویند، بینش‌های مهمی را به دست می‌آورد. هدف کتاب *راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی*<sup>۱</sup>، بیشتر در دسترس قرار دادن این بحث‌ها و موضوعات و ردیابی ارتباط موجود بین جنبش‌ها و اندیشمندان مختلف است. این کتاب با فراهم کردن طرحی کلی از بسیاری گرایش‌های اصلی، تحلیل‌های اندیشمندان مهم و تعاریف واضح از اصطلاحات و مفاهیم اساسی به خوانندگان کمک خواهد کرد تا با چیزی که اغلب دشوار اما همیشه جذاب است، آشنا شوند.

---

1. *The Routledge Companion to Critical and Cultural Theory*



## مقدمه ویراستاران بر ویرایش دوم

ترجمه امیر امینیان توسی

در دومین ویرایش کتاب به طرز چشمگیری حوزه مطالبی که در بر گرفته شده، گسترش پیدا کرده است. این موضوع از تغییر عنوان کتاب نیز قابل استنباط است. عنوان کتاب از *راهنمایی بر نظریه انتقادی* به *راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی* تغییر یافته است. مطالبی که در ویرایش دوم اضافه شده، هم جبران کننده عدم تأکید روی بافت فرهنگی گسترده‌تر و مفهوم موارد نظری بیان شده در عنوان ویرایش اول است؛ هم دامنه گسترده‌تری از مطالب قرار گرفته در فصل‌ها و مدخل‌های جدید ویرایش دوم را نشان می‌دهد. در ویراست دوم سه فصل اضافه شده است که مواردی هستند که طی سال‌های اخیر بررسی و آموزش نظریه روی آنها متمرکز شده است: فرانس‌گرایی، نظریه سبز و مطالعات تروما. هر یک از این فصل‌ها با مدخل‌هایی در بخش‌های «واژه‌نامه توصیفی» و «نمایه اسامی» همراه شده که بخش دوم کتاب را شکل می‌دهد و معرفی خلاصه و روشنی در مورد اندیشمندان مؤثر و مفاهیم کلیدی مربوط به عنوان ارائه می‌کند. علاوه بر این، دومین ویرایش کتاب *راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی* در فصل نخست شامل مروری تاریخی است که مهم‌ترین پیشرفت‌ها را در زمینه مطالعه نظریه انتقادی و فرهنگی از جنگ جهانی دوم به بعد به طور مفصل بیان می‌کند. هدف از این فصل جدید، کمک به خوانندگان است تا نظریه‌ها و نظریه‌پردازان را طی پیشرفت گسترده‌تر رشته علمی و در رابطه با بافت‌های تاریخی، سیاسی و فرهنگی آنها، با توجه به زمینه مفهوم‌سازی کنند. همان‌گونه که بعدتر در اظهارنظرهای خود بر مفهوم فرهنگ مطرح می‌کنیم، نظریه‌پردازی همیشه در بافت فرهنگ و در بافت مجموعه‌ای از مفاهیم، باورها و کارهای شناخته شده رخ می‌دهد. کمی ادراک نسبت به آن بافت کمک می‌کند تا معنای ضمنی نظریه‌های ویژه و انگیزه‌های پشت آنها بیشتر در دسترس قرار گیرد. در نهایت، با وجود اینکه زمان نسبتاً کمی از انتشار ویرایش اول سپری شده است، ما جزئیات را به‌روزرسانی کرده‌ایم و برای بسیاری از مقالات و مدخل‌ها تفسیر قرار داده‌ایم تا کارهای اخیر در این زمینه را در نظر بگیریم.

## نظریه فرهنگی

احتمالاً باید به عنوان مقدمه بر ویرایش جدید، کمی بیشتر در مورد تغییر عنوان صحبت کنیم. همانگونه که در مقدمه ویرایش اول بیان کردیم، مفهوم «فرهنگ» دقیقاً در مرکز بحث نظری قرار می‌گیرد. با این حال، عبارتی نیست که به سادگی تعریف شده باشد. بر اساس عقیده ریموند ویلیامز<sup>۱</sup> در کلیدواژه‌ها، «فرهنگ جزء یکی از دو یا سه کلماتی است که پیچیده‌ترین کلمات در زبان انگلیسی هستند» (ویلیامز، ۱۹۸۳: ۸۷). ویلیامز با ردیابی تاریخ پر پیچ‌وتاب تغییر معنای این کلمه در و بین زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی سه نوع کاربرد فعال و گسترده را برای آن بیان می‌کند: (الف) اسم معنی و مستقل که روندی کلی از پیشرفت عقلانی، معنوی یا زیبایی‌شناختی را توضیح می‌دهد؛ (ب) اسم مستقل، خواه کلی به کار رود خواه اختصاصی، که شیوه خاصی از زندگی را نشان می‌دهد، خواه مردم، دوره، گروه، یا به طور کلی انسان بودن؛ (پ) اسم معنی و مستقل که کارها و اعمال عقلانی و به ویژه فعالیت هنری را توضیح می‌دهد (ویلیامز، ۱۹۸۳: ۹۰). همان‌طور که ویلیامز بیان می‌کند، کاربرد سوم که فرهنگ را با فعالیت‌هایی مثل هنرهای زیبا، ادبیات، موسیقی کلاسیک و معماری مشخص می‌کند، متداول‌ترین و آشناترین مورد است و نمی‌توان در آخر آن را به طور کامل از دو احتمال اول به دست آورد. تقریباً از دیدگاه تمامی نظریه‌ها و نظریه‌پردازانی که در این کتاب بیان می‌شوند، رابطه متقابل پیچیده بین فعالیت‌های هنری و ارتباطی مربوط به فرهنگ‌های «فرداست» و «عامه» و شیوه‌های گسترده‌تر زندگی جوامع، مبحث شدیداً موردعلاقه و مدنظر برای تحلیل است. در نتیجه برای مثال، فردی مادی‌گرا که با فرهنگی آشنا می‌شود که مورد قبول نظریه مارکسیسم باشد، ممکن است شیوه‌هایی را ارزیابی کند که در آن فعالیت‌های هنری جامعه بر اساس شکل‌های ویژه اقتصادی، قانونی و سیاسی مربوط به سازمان تولید شوند. و آن شکل را با رمزآلود کردن ایدئولوژیکی آنها ارائه می‌دهد تا چیزی را که در حقیقت نتیجه تصمیمات سیاسی ویژه‌ای است که طبقه حاکم گرفته‌اند، مطرح کند یا فرضیات مربوط به آن شکل‌های سازمان سیاسی و اجتماعی را به نحوی بنیادین نقد می‌کند و به چالش می‌کشد. (به منظور دست‌یابی به تحلیل مفصل‌تر در این مورد، فصل چهارم را مطالعه نمایید). در عین حال، ممکن است یک نظریه‌پرداز روان‌کاوی پیرو مکتب لکان شیوه‌هایی را بررسی کند که در آن کارهای هنری، ساختارها و کارهای ویژه نشان‌گر را از امر نمادین جامعه به خصوصی دریافت کنند تا تعاریف خیالی برای مباحث خود ایجاد کند یا از بین ببرد (برای مطالعه مطالب بیشتر در این مورد، فصل هفتم را مطالعه نمایید). هر یک از این نظریه‌ها ارتباط

1. Raymond Williams

متفاوتی بین فرهنگ در مفهوم محدود و در جنبه‌های گسترده‌تر آن ایجاد می‌کند و تحلیل‌هایی که تولید می‌کند، باعث می‌شود تفسیرهای موشکافانه و متمرکز شده‌ای ایجاد شوند که مربوط به شیوه‌هایی هستند که در آن کارها و متن‌ها بر مفاهیم سیاسی، هویتی و اجتماعی تأثیر متقابل دارند. در مقدمه اول بیان کردیم که بسیاری از نظریه‌پردازان باور دارند که زبان در قلب فرهنگ جای دارد و حالات بی‌شماری از ایجاد و تبادل معنا که تجربه ما از دنیای اطراف را شکل می‌دهند، فرهنگ ما را تولید و سازمان‌دهی می‌کنند. اصلی‌ترین مفهوم این مطلب آن است که فرهنگ مقوله‌ای انتزاعی یا «خارج از اینجا» و جدا از وجود داشتن فردی نیست، اما در مقابل مقوله‌ای است که فعالیت‌های فردی ما و تأثیر متقابل ما بر دیگران را به وجود می‌آورد و به وسیله همان‌ها به وجود می‌آید. بر اساس عقیده ژان فرانسوا لیوتار<sup>۱</sup>، نظریه‌پرداز پسامدرن، فرهنگ:

شیوه ویژه‌ای از بودن هر موقعیت‌های بنیادی است. مردم باید به دنیا بیایند، از دنیا بروند و چیزی‌هایی همانند این و گروهی از مردم همان‌طور که این مسئله را درک می‌کنند، در پاسخ به این وظایف، در پاسخ به این درخواست‌ها به وجود می‌آیند. این درک... همزمان چیزی است که مردم هستند، درک آنها از خودشان و با هم بودنشان. طبق سنت، فرهنگ مجموعه‌ای از معناها که مربوط به موقعیت‌های بنیادی باشد، یک پروژه یا یک قرارداد نیست؛ این «بودن در آنجاست» که مردم است.

(لیوتار، ۱۹۹۳:۳۳)

فرهنگ که به این صورت بیان شده است، به عنوان حالتی که «باهم بودن» جوامع در آن رخ می‌دهد، محیطی است که در آن تجربه رخ می‌دهد و در نتیجه هدف هر یک از نظریه‌های انتقادی است که این کتاب معرفی و بررسی می‌کند. در نتیجه فرهنگ در گسترده‌ترین حالت خود، حتی اگر گاهی اوقات آشکار نباشد، در تمامی تحلیل‌های معنا که در نظریه انتقادی پذیرفته شده‌اند، همیشه حاضر است: کل نظریه همزمان هم انتقادی است هم فرهنگی.

## ساختار و دامنه کتاب

کتاب راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی هم به دانشجویان متخصص، و هم به آنهایی که برای بار نخست در کتاب‌ها، مقالات و کنفرانس‌ها به نظریه‌ها و نظریه‌پردازان برمی‌خورند و می‌خواهند ایده‌های سازنده بحث‌هایی را درک کنند که در راهشان قرار می‌گیرند، کمک می‌کند. در نتیجه کتاب

---

1. Jean-François Lyotard

تحلیل‌های مفصلی در مورد ایده‌های ویژه و نیز بررسی‌های گسترده‌ای را ارائه می‌کند تا اظهارات مبهم در مورد فرهنگ، تفکر و سیاست‌های معاصر را در زمینه مناسب مفهوم‌سازی کند. از آنجایی که نظریه انتقادی حوزه مطالعاتی پیچیده و گسترده‌ای است، راهنمایی بر نظریه انتقادی و فرهنگی راتلج به گونه‌ای طراحی شده است که از دو طریق به این هدف دست یابد. ابتدا، به شما کمک خواهد کرد تا جهت‌گیری خود را در حوزه کلی و گسترده از جمله داستان‌شناسی یا پسااستعاره بیابید. دوم، اطلاعات ویژه‌ای را در مورد اشخاص مهم مانند ژاک دریدا<sup>۱</sup> یا ادوارد سعید<sup>۲</sup>، همچنین اصطلاحات اساسی از جمله تفاوت<sup>۳</sup> یا رایزوم<sup>۴</sup> (ساقه زیرزمینی) ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، این کتاب راهنما با قرار دادن تعاریف واحد در یک بافت توضیحی که معنا و اهمیت آنها را به طور دقیق بیان می‌کند، فرائز از دامنه یک فرهنگ لغت معمولی پیش می‌رود.

بخش اول این کتاب به مجموعه‌ای از مقالات اختصاص یافته است که در کنار هم تصویری از دامنه و حیطه نظریه انتقادی معاصر را بیان می‌کنند و همچنین شکل‌گیری آن را در جوامع بشری ترسیم می‌کنند. این مقالات جنبش‌ها و رویکردهای مهم مربوط به فرهنگ را به اختصار بیان می‌کنند و برخی حوزه‌های اصلی تحلیل نظری را همراه با معرفی اصول مهم و تأثیرگذارترین طرفداران آنها بررسی می‌کند و شیوه‌های مختلف تأثیرگذاری آنها را بر عمل انتقادی ارزیابی می‌کند. در هر مقاله پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر وجود دارد که شامل متون ابتدایی مهم و کتاب‌های مقدماتی قابل دسترس است. این مقالات در کنار یکدیگر به طور مفصل در مورد نظریه انتقادی و درک مناسب از قدم بعدی برای بررسی ایده‌های ویژه، موضوعات و اندیشمندان، زمینه‌ای موثق برای خواننده فراهم می‌کنند.

بخش دوم کتاب یک فرهنگ لغت مهم است که در بردارنده مقالاتی کوتاه درباره برخی عبارات و اندیشمندانی است که دانشجویان احتمال دارد طی مطالعات مربوطه با آنها مواجه شوند. هدف کلی فراهم کردن تعاریفی روشن است که اطلاعاتی را ارائه می‌کنند تا هم برای خواننده عمومی که می‌خواهد نام یا اصطلاح فنی جدیدی را درک کند هم برای خواننده متخصص نظریه انتقادی که تمایل دارد بدانند قدم بعدی چیست، مفید است. اکثر مدخل‌های بسط یافته نیز در بردارنده جزئیات کوتاهی است از مطالعات بیشتر برای افرادی که تمایل دارند ایده‌ها یا نظریه‌ها را به تفصیل بررسی کنند.

- 
1. Jacques Derrida
  2. Edward Said
  3. differend
  4. rhizome

بخش نخست

**نظریه انتقال: مقالات آغازین**

[www.booka.ir](http://www.booka.ir)

[www.booka.ir](http://www.booka.ir)

## فصل نخست

### نظریه، تاریخچه، زمینه

هاو جونز<sup>۱</sup>

ترجمه عباس گودرزی<sup>۲</sup>

«عصر طلایی نظریه فرهنگی سال‌هاست که به سر آمده است» (ایگلتن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۱). این جمله آغازین کتاب *پس از نظریه*<sup>۴</sup> اثر تری ایگلتن است. هرچند این گونه برآوردهای نظری ممکن است آشکارا بخش عمده‌ای از آثار و اقدامات متفکران معاصر را نادیده انگارند، اما جا دارد که بگوییم ما ترکیب بی‌نظیر شرایط و عواملی را که زمینه‌ساز فراتر رفتن حرف و بحث بسیاری از صاحب‌نظران از محیط درس و دانشگاه شده بود، اکنون مدت‌هاست که پشت سر گذاشته‌ایم. این بدان معنی نیست که کیفیت کارهای انجام شده در حوزه نظریه کاهش یافته است یا اینکه نقش کلی این حوزه در تحلیل فرهنگ کمرنگ‌تر شده است، بلکه به این معناست که شرایطی که زمینه پیدایش آثار پیشگام و نومایه را به وجود آورده بودند، کلاً از بین رفته‌اند یا بستر ساز جریان‌های دیگر شده‌اند.

آنچه را تحت عنوان نظریه انتقادی در کشورهای انگلیسی‌زبان می‌شناسیم، ترکیبی ناهمسان از عقاید مختلف برگرفته از رشته‌ها و جریان‌های فکری پراکنده است. نظر به وجود مرزهای نفوذپذیر و نوسانات دائمی پس‌زمینه عقیدتی نظریه انتقادی، ارائه منتخبی جامع از متفکران و عقاید مطرح در این حوزه کاری بسیار دشوار خواهد بود، زیرا تعداد زیادی از نحله‌های نظریه‌ای که زمانی از مبانی نظریه انتقادی محسوب می‌شدند، اکنون به حاشیه رفته‌اند یا جای خود را به مباحث دیگر سپرده‌اند. اگرچه این کار ممکن است به نوعی ساده‌نگاری و تاریخ‌نگاری سطحی‌نگرانه منجر شود، اما بررسی خط سیر پیدایش و رشد نظریه انتقادی در قالب چندین برهه بحرانی، زمانی که در آنها مجموعه‌ای

---

1. Huw Jones

۲. دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد همدان.

۳. Eagleton, Terry: *منتقد ادبی انگلیسی* (۱۹۹۳-) و صاحب کتاب معروف *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی* که نخستین بار در سال ۱۹۸۳ منتشر شده است -م.

4. *After Theory*

از موضوعات اجتماعی، سیاسی و زیباشناختی مطرح بوده‌اند، کاری مفید خواهد بود. سهم بسیاری از متفکران و مؤلفان در این مسیر به بیش از یک برهه تسری می‌یابد و آثار چهره‌های تأثیرگذارتری چون رولان بارت<sup>۱</sup> و میشل فوکو<sup>۲</sup> در برگیرنده مبانی چند مورد از جریان‌های نظری مهم هستند که گسترش کل نظریه انتقادی را باعث شده‌اند.

هرچند سرآغاز کار نظریه انتقادی به قرن نوزدهم باز می‌گردد، اما پیدایش صورت مدرن آن را می‌توان در کار **مکتب فرانکفورت**<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۳۰ پی‌جویی کرد. آراء تتودور آدورنو<sup>۴</sup>، مکس هورکهایمر<sup>۵</sup> و هربرت مارکوزه<sup>۶</sup> در بستری به وجود آمده و مطرح شده‌اند که در آن اقتدار استالینیسیم وعده‌رهبایی بخشی کمونیسم را در شوروی آشکارا نابود می‌کرد و همزمان امید به وقوع یک انقلاب را نیز عبور بی‌دغدغه نظام سرمایه‌داری از بحران‌های دهه ۱۹۲۰ از بین برده بود و می‌رفت تا این نظام در قالب یک سرمایه‌داری مصرف‌گرای شهوتران که از مختصات حیات ایالات متحده بود، جهان پیشرفته و صنعتی غرب را تحت سیطره خود درآورد. هرچند مکتب فرانکفورت همچنان بنا داشت تا روش انتقادی خود را بر پایه رویکرد **دیالکتیکی** جی. دابلیو. اف هگل<sup>۷</sup> و کارل **مارکس**<sup>۸</sup> استوار کند، اما با لحاظ کردن نظریات متفکران دیگری مانند **فروید**<sup>۹</sup>، مکس وبر<sup>۱۰</sup> و فریدریش **نیچه**<sup>۱۱</sup> در نقد خود از سرمایه‌داری معاصر و متعاقباً از پدیده‌ای که از آن به میراث نکبت‌بار عصر **روشنگری**<sup>۱۲</sup> یاد می‌شود، از مارکسیسم سنتی پافراتر نهاد.

اصل بنیادین را در کار مکتب فرانکفورت تمایل به نقد سرمایه‌داری و فرهنگ سرمایه‌سالار از دیدگاهی نظری شکل می‌دهد که سعی دارد از منطق صورت کالا و آنچه را که مروجان این مکتب

۱. Roland Barthes: نظریه‌پرداز ادبی، فیلسوف، زبان‌شناس و نشانه‌شناس فرانسوی (۱۹۶۵-۱۹۸۰) م.

۲. Michel Foucault: فیلسوف، تاریخ‌نگار عقیدتی و منتقد ادبی فرانسوی (۱۹۲۶-۱۹۸۴) م.

### 3. Frankfurt School

۴. Theodor Adorno: فیلسوف، جامعه‌شناس و آهنگ‌ساز آلمانی (۱۹۰۳-۱۹۶۹) م.

۵. Max Horkheimer: فیلسوف، و جامعه‌شناس آلمانی (۱۸۹۵-۱۹۷۳) م.

۶. Herbert Marcuse: فیلسوف، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز سیاسی آلمانی-آمریکایی (۱۸۹۸-۱۹۷۹) م.

۷. Georg Wilhelm Friedrich Hegel: فیلسوف آلمانی (۱۷۷۰-۱۸۳۱) م.

۸. Karl Marx: فیلسوف، تاریخ‌دان، اقتصاددان، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز سیاسی آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳) م.

۹. Sigmund Freud: عصب‌شناس اتریشی و پایه‌گذار روان‌کاوی (۱۸۵۶-۱۹۳۹) م.

۱۰. Max Weber: فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی (۱۸۶۴-۱۹۲۰) م.

۱۱. Friedrich Wilhelm Nietzsche: فیلسوف، منتقد فرهنگی، آهنگ‌ساز و شاعر آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۰) م.

### 12. Enlightenment



«عقلانیت ابزاری»<sup>۱</sup> می‌گفتند، به دور باشد. عقلانیت ابزاری همان صورتی از دانش و شعور است که به جهان تنها برای یافتن راهی برای کسب حداکثر منفعت می‌نگرد. از این لحاظ، نظریات و اقدامات آدورنو، هورکهایمر و مارکوزه الگو و مبنای تکامل بعدی نظریه انتقادی را به وجود آوردند. آنها سرمایه‌داری را نه تنها به دلیل وجود بی‌عدالتی‌های آشکار در این نظام اقتصادی نقد می‌کنند، بلکه آن را به خاطر بی‌توجهی به هنر و فرهیختگی نیز به شدت تخطئه می‌کنند. آدورنو و هورکهایمر پس از ظهور فاشیسم در اروپا، از آلمان گریخته و سرانجام در کالیفرنیا ساکن شدند. آنها در طی مدت اقامت تبعیدگونه خود در لس‌آنجلس، مهم‌ترین اثر مشترکشان را تحت عنوان *دیالکتیک روشنگری*<sup>۲</sup> (۱۹۴۷) منتشر کردند. بخش عمده‌ای از این کتاب با نگاهی به شدت بدبینانه به ترسیم چیزی می‌پردازد که از نظر مؤلفان زوال و ناکامی وعده عصر روشنگری مبنی بر عرضه علم نیالوده به قدرت، تسلیم و خرافات است. این کتاب همچنین حاوی مقاله کوتاهی است تحت عنوان «صنعت فرهنگ‌سازی: روشنگری به مثابه فریب توده‌ای»<sup>۳</sup> که از اسناد بسیار تأثیرگذار در مورد بحث ارزش فرهنگ‌عامه یا «توده»<sup>۴</sup> است. آدورنو و هورکهایمر صنایع فیلم‌سازی و موسیقی را به علت ترویج اصل یکسان‌پنداری هنرها و جای گرفتن کامل آنها در درون صنایع تولید و مصرف توده‌ای مورد انتقاد شدید و غضب‌آلود خود قرار می‌دهند. اگرچه اعضای اولیه مکتب فرانکفورت تا دهه ۱۹۷۰ همچنان به تولید نظریات تأثیرگذار خود ادامه می‌دادند، اما در دهه‌های بعد از انتشار نظریات اولیه‌شان، تنها در حوزه مطالعه فرهنگ عامه بود که کسانی توانستند تا حدودی جای آنها را بگیرند.

### دهه ۱۹۵۰: ساختارگرایی و مطالعات فرهنگی

با اینکه برخی دهه ۱۹۵۰ را در جهان انگلیسی‌زبان به سکون سیاسی و عقیدتی می‌شناسند، آثار ریموند ویلیامز در این دوره و پس از آن به طور گسترده در تحکیم و ترویج نظریه نقادانه تأثیرگذار بوده است، به ویژه در شکل‌گیری یکی از زیرشاخه‌های این رویکرد که «مطالعات فرهنگی» نام دارد. ویلیامز در محیط دانشگاهی بریتانیا کار خود را آغاز کرد؛ محیطی که سنت فکری حاکم در آن از سایر جریان‌های فکری مهم در اروپا متمایز بود، هرچند کار او مشحون بود از مضامینی که از مبانی

1. instrumental rationality

2. *Dialectic of Enlightenment*

3. The Culture Industry: Enlightenment as Mass Deception. این کتاب توسط استاد مراد فرهادپور

ترجمه و در ارغنون شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۰ منتشر شده است - م.

4. mass

مکتب فرانکفورت محسوب می‌شوند و همزمان از مفهوم «هژمونی» در نظریات آنتونیو گرامشی<sup>۱</sup> نیز متأثر بود. فرهنگ و جامعه<sup>۲</sup> (ویلیامز، ۱۹۵۸) از این نظر اثری مهم [در پیشبرد نظریه انتقادی] است که از مفاهیم زیرساخت و روساخت در فلسفه مارکس<sup>۳</sup> استفاده کرده و بر ماهیت ماتریال فرهنگ تأکید دارد. همچنین در ادامه، پیروان ویلیامز به تاسی از او مفهوم زیرساخت را بسط دادند تا نه تنها دربرگیرنده ادبیات باشد، بلکه تمام انواع رفتارهای دلالتمند و گفتمان‌هایی را که شکل‌دهنده فرهنگ ملی یک کشور هستند نیز شامل شود. ویلیامز در بررسی خود از کتاب *تقد اقتصاد سیاسی*<sup>۴</sup> (۱۸۵۹) اثر مارکس، به عقاید بنیادین در مورد تفکر ماتریال در این اثر اشاره می‌کند؛ اثری که ادعای معروف مارکس که «نوع تولید در زندگی مادی تعیین‌کننده روند کلی حیات سیاسی، اجتماعی و عقیدتی است» (مارکس، ۲۰۰۰: ۴۲۵) در آن مطرح شده است. تأکید اساسی بر اقتصاد به عنوان عامل تعیین‌کننده در تولیدات فرهنگی، ویلیامز را بر آن داشت تا نقش سابقاً غایی ذهنیت فردی را در تحلیل فرهنگ به چالش بکشد. کار ویلیامز همچنین از این نظر اهمیت دارد که او فرهنگ بریتانیا را به عنوان یک سنت فرهنگی منسجم و یکپارچه و عاری از تنش در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را به مثابه یک بستر متشتت و پرتنش که نشان‌دهنده تعارضات طبقاتی از زمان آغاز صنعتی شدن است، در نظر می‌گیرد. مقاله معروف ویلیامز تحت عنوان «فرهنگ [امری] عادی است»<sup>۵</sup> به سال ۱۹۵۸ نیز مبین این حقیقت است که رویکرد او نسبت به مقوله فرهنگ عامه در قیاس با رویکرد مکتب فرانکفورت، دلسوزانه و همدلانه‌تر است، به ویژه در بحث او در خصوص واژگان و ادبیات فرهنگی طبقات کارگری.

دهه ۱۹۵۰ همچنین شاهد نضج گرفتن رویکرد ساختارگرایی بود (ز.ک.ب. فصل دوم). ساختارگرایی روشی نظری در تحلیل متون هنری و فرهنگی و سیاست و ایدئولوژی است. این روش اصول خود را وام‌دار نظریه زبان‌شناسی فردینان دو سوسور<sup>۶</sup> است، به ویژه در شرح او از کلمه به عنوان نشانه متشکل از دال و مدلول و همچنین تمایزی که بین زبان<sup>۷</sup> و گفتار<sup>۸</sup> قائل می‌شود. به تاسی از این

۱. Antonio Gramsci: فیلسوف مارکسیست و سیاستمدار کمونیست ایتالیایی (۱۸۹۱-۱۹۳۷) -م.

2. *Culture and Society*

3. *Marxism*

4. *Critique of Political Economy*

5. *Culture is Ordinary*

۶. Ferdinand de Saussure: زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی (۱۸۵۷-۱۹۱۳) -م.

7. *langue*

8. *parole*

نظریه زبان‌شناختی، ساختارگرایی بر آن شد تا وجهتی علمی برای مطالعه رفتارهای دلالت‌مند فرهنگی و هنری به میان آورد. دو تن از اشخاص تأثیرگذار در رشد ساختارگرایی عبارتند از نظریه‌پرداز ادبی، رومن **یاکوبسن**<sup>۱</sup> و انسان‌شناس فرانسوی، **کلود لوی-استروس**<sup>۲</sup>. اما این رولان بارت بود که در سال ۱۹۵۷ با انتشار *اسطوره‌شناسی‌ها*<sup>۳</sup> به جریان تحلیلی ساختارگرایی پیوست و به تحلیل شمار گسترده‌ای از رفتارهای فرهنگی و اجتماعی پرداخت و همزمان، با تعهدی چپ‌گرایانه به برمال کردن ابعاد **ایدئولوژیکی** تولید دلالت‌مندی [رفتارها و متون فرهنگی] و ابطال اعتقاد به ثبات آن پرداخت. در چپ‌پوشی که همسو با عطف توجه نظریه انتقادی به اهمیت فرهنگ عامه بود و سرانجام از بنیان‌های مطالعات فرهنگی در بریتانیا شد، بارت به قرائت متونی به گستردگی حالت موی مارلون براندو<sup>۴</sup> در فیلم‌های هالیوودی تا کشتی کج حرفه‌ای و [تبلیغات] پودرهای شوینده پرداخت. بارت در نوشته‌های اولیه خود از اصطلاح ایدئولوژی استفاده نمی‌کرد، اما مفهوم «**اسطوره**» یا نظام ثانوی دلالت به مفهوم **نشانه‌شناختی** ایدئولوژی بسیار نزدیک است که از ویژگی‌های شاخص تفکر نظریه‌ای در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی است.

### نظریه میدان دار می‌شود: دهه ۱۹۶۰

در بجنوبه فرایند استعمارزایی در دنیای در حال توسعه و مقارن با تحول ارزش‌های فرهنگی و آداب اجتماعی در دنیای غرب، اقدام کوچک دیگری برای آزادسازی در دهه ۱۹۶۰ تأثیر بزرگی بر سمت و سو و گسترش نظریه انتقادی گذاشت. حزب کمونیسم فرانسه دستخوش تحولی شده بود که ضمن آن رسوم خفقان‌آور استالینیسیم در حال کنار رفتن بودند و به جای آنها فضای فکری-فرهنگی تازه و پویایی در حال شکل گرفتن بود. از پیشروان این جریان شخص **لویی آلتوسر**<sup>۵</sup> بود که با وجود افول مارکسیسم در تفکر غربی، به بسیاری از رویکردهای موجود در مورد مفاهیمی همچون فرهنگ، سیاست و **فاعلیت ذهن**<sup>۶</sup> رسمیت بخشید؛ مفاهیمی که هنوز هم در نظریه انتقادی معاصر شاخص هستند. آلتوسر با صراحت تمام تأثیرات هگلی را که تا آن زمان بر نظریه تحلیلی مارکسیسم حاکم

۱. Roman Jakobson: زبان‌شناس و نظریه‌پرداز ادبی روس (۱۸۹۶-۱۹۸۲) -م.

۲. Claude Levi-Strauss: انسان‌شناس فرانسوی (۱۹۰۸-۲۰۰۹) -م.

### 3. Mythologies

۴. Marlon Brando: بازیگر و کارگردان سرشناس آمریکایی (۱۹۲۴-۲۰۰۴) -م.

۵. Louis Althusser: فیلسوف مارکسیست فرانسوی (۱۹۱۸-۱۹۹۰) -م.

### 6. subjectivity

بودند، رد کرد؛ به این معنی که او سعی کرد جبر اقتصادی را کنار بگذارد که طبق آن، بستر اقتصادی در رابطه دوسویه با هنر، فرهنگ، حقوق و سیاست مقام بالا و برتر را یافته و عامل تعیین کننده محسوب می‌شد. این کار او شاید چندان بزرگ و مهم به نظر نیاید، اما می‌دانیم که در دهه ۱۹۶۰ مارکسیسم همچنان تأثیری فراگیر بر فرهنگ و فضای فرهیختگی و عقیدتی فرانسه داشت و آلتوسر با گسست از سنن دیالکتیکی **ماتریالیسم** [اقتصادی] راه را برای بررسی هنر و فرهنگ به عنوان عواملی نسبتاً مستقل از زمینه اقتصادی که در آن پدید آمده‌اند، هموار ساخت. هرچند آلتوسر همچنان به جبر اقتصادی که بر طبق آن در نهایت زیربنای اقتصادی عامل تعیین کننده است معتقد بود، اما آراء او موج تازه‌ای از آثار نومی‌ها را در عرصه علوم انسانی به راه انداخت. اکنون این مجال وجود داشت که عملکرد هنر، ادبیات و سیاست را در درون خط سیر خود بررسی کرد و این احتمال وجود داشت که ارتباط آنها با ساختارهای واقعی بهره‌وری اقتصادی کاملاً تنش‌آمیز و متعارض باشد. بنابراین، در حالی که اشکال مختلف مارکسیسم سنتی همواره بر این نکته تأکید داشتند که هنر و ادبیات عمدتاً ابزارهایی ایدئولوژیک برای توجیه حقانیت نظام سرمایه‌سالار محسوب می‌شوند، نظریات آلتوسر به منتقدان ادبی مانند پی‌یر **ماشری**<sup>۱</sup> مجال داد تا به ادبیات به صورت فرایندی پویا بنگرند که از خلال تعارضات موجود در ساختار ایدئولوژی عمل کرده و می‌تواند نشان دهد که این ساختار در چه ابعاد و نقاطی شکننده و متزلزل است.

اما مهم‌ترین سهم آلتوسر در پیشبرد نظریه انتقادی، پرداخت او از مفاهیم مهم ایدئولوژی و فاعلیت ذهن است که او در مقاله معروف خود «ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت»<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) مطرح کرده است. خالقیت او در این عبارت معروف نهفته است که «ایدئولوژی بازنمایی رابطه **تخیلی** افراد با شرایط واقعی زندگی‌شان است» (آلتوسر، ۲۰۰۱: ۱۶۳) که مفهوم ایدئولوژی را از نظریه منفور «آگاهی کاذب» در [مارکسیسم کلاسیک] گسسته و آن را به شدت متحول می‌کند. این اقدام نوآورانه او از این نظر مهم و تأثیرگذار بود که فرایند نقد ایدئولوژی را از قید و بند مفهومی که تمرکز آن بر رابطه صرف بین ذهن و جهان بیرون است، رهایی بخشید و به جای آن تصریح کرد که کلید فهم تأثیرات ایدئولوژی، تحلیل دقیق همان بازنمایی‌های عینی است. در حالی که نظریه آگاهی کاذب متضمن این حقیقت است که توده‌های استثمار شده هم از شدت و میزان استثمار شدنشان ناآگاهند هم از توان بالقوه خود برای شورش در برابر نظام حاکم. لذا، اساس امور به همسویی

۱. Pierre Macherey: منتقد مارکسیست فرانسوی و از شاگردان آلتوسر (۱۹۳۸-). م.

2. Ideology and Ideological State Apparatus

ذهنیت یا آگاهی با واقعیت وابسته است. رویکرد پساآلتوسری بر فراگیر بودن توان ایدئولوژی به عنوان واسطه‌ای برای تولید معنا و دلالت اجتماعی تمرکز دارد. در اینجا لازم است یادآور شد که صفت «تخیلی» در شرح آلتوسر از کارکرد ایدئولوژی به معنای «خیالی» نیست (هرچند سوءپنداشت قطعاً نقشی مهم در این فرایند دارد)، بلکه مقصود او تأکید بر گرفتار شدن فرد در دام تصویری است که او [هویت] خود را با آن یکی می‌پندارد. این فرایند یکی پنداشتن یا همزادپنداری بین فرد و تصویر بر ساخته ایدئولوژی از او اساس یکی دیگر از نظریه‌های آلتوسر است که بر طبق آن «ایدئولوژی افراد را به عنوان سوژه‌هایی خود فرامی‌خواند» (آلتوسر، ۲۰۰۲: ۱۶۳). بر طبق نظر آلتوسر، **فراخوانی** فرایندی است که ضمن آن کارکردهای ایدئولوژی افراد را سلام گفته یا مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهند، به طوری که آنها خود را به طور طبیعی مخاطب آن ندانند. تأثیر آلتوسر در گسترش نظریه انتقادی بسیار چشمگیر است، اما دیدگاه او در مورد فراخوانی سوژه<sup>۱</sup> متأثر از آراء متفکر مطرح دیگری است که آثار افکار او نیز در جای‌جای تاریخچه نظریه انتقادی به چشم می‌آید. این شخص روان‌کاو نوآور فرانسوی ژاک **لکان**<sup>۲</sup> است که نظریه خود را در خصوص شکل‌گیری شخصیت اول بار در مقاله‌ای تحت عنوان «**مرحله آینه‌ای**»<sup>۳</sup> در یک همایش مطرح کرد. آلتوسر از این نظریه لکان چنین اقتباس کرد که کودک خود را با تصویری که برخلاف خود منسجم و وحدت یافته است یکی می‌پندارد؛ تصویری که در خارج از وجود خود است. از مضامین این پنداشت یکی آن است که هویت ما هم در مقام یک فرد هم در ارتباط با ساختارهای اجتماعی که باید با آنها کنار بیاییم، عمدتاً به این بستگی دارد که ما بر چیستی امور جاری صحنه بگذاریم. در این معنا، ایدئولوژی دیگر یک آگاهی نادرست یا تحریف شده از واقعیت نیست، بلکه اساساً بستر ساز و کوزه‌هایی است که ذهنیت را به دلخواه فرد با تحکیم یک نظام اجتماعی، سیاسی یا معرفت‌شناختی همسو می‌کند. دستاورد تلافی آلتوسر/ لکان رد کردن مفهوم سنتی سوژه انسانی به عنوان یک مرکزیت خوداقتدارگرا از کنش‌ها (موضوع اصلی فلسفه انسان‌گرایی کلاسیک) است و به جای آن بررسی راه‌هایی است که طی آنها هویت ذهنی به واسطه رفتارها و ساختارهای دلالت‌مند و معنابخش بیرونی به فرد تحمیل می‌شود. لیکن علی‌رغم تلاش هوشمندانه آلتوسر و پیروان او برای ترویج این سازوکار، این مفهوم لکانی از ایدئولوژی در توجیه سرسپردگی **سوژه‌های** سیاسی بسیار کارآمدتر واقع شد تا در ترسیم روش‌هایی

1. subject

۲. Jacques Lacan: فیلسوف و روان‌کاو فرانسوی (۱۹۰۱-۱۹۸۱) -م.

3. Mirror Stage

که این سوژه‌ها می‌توانند به کار بگیرند تا از حصار یک هویت منظور فراتر رفته یا در برابر نیروی سرکوبگر گفتمانی مقاومت نشان دهند.

جنبه تقریباً منفی و تک‌بعدی بودن نقد آلتوسری از سازوکار ایدئولوژی به این علت است که نظریه او تنها به یک عنصر از الگوی لکانی از روان آدمی، یعنی مرحله تخیلی، تکیه دارد. در نظریه لکان مرحله تخیلی تنها یکی از اجزای ساختار روان است که به طور عمده با ثبات و ایستایی [شخصیت] سر و کار دارد. تأثیر نظریات لکان بسیار فراتر از مارکسیسم آلتوسری است، هرچند همین مارکسیسم انتقادی بود که لکان را به دایره توجه محیط‌های دانشگاهی انگلیسی‌زبان وارد کرد. کار او از حوزه روان‌پزشکی بالینی فراتر رفته و در مباحث زیادی از جمله اخلاق و معرفت‌شناسی هم جای باز کرده است. این روان‌کاوی لکانی در قالب زبان‌شناسی پساسوسوری بیشترین کمک را به بسط نظریه انتقادی کرد. در نظریه لکان تقسیم ساختار نشانه به دال و مدلول که در زبان‌شناسی ساختارگرا مطرح است، از این نظر مورد توجه قرار گرفت که در این رابطه دوسویه دال برتری دارد و اینکه خود فرهنگ و هویت انسانی هم برساخته همین فرایند معنابخشی یا دلالت‌مندی [حاصل رابطه دال و مدلول] است. این منطق همواره به طور تلویحی در بطن روان‌کاوی هم حضور داشته است، به ویژه در نظریه فروید در مورد رویاها و یادگارپرستی<sup>۱</sup>، اما در تحلیل لکان چیزی که بیشتر به چشم می‌آید، توجه به راه‌هایی است که طی آنها سازوکار تودرتو و پیچیده دلالت‌مندی سوژه انسانی و محیط‌زیست او را هم شکل داده هم در خود گرفتار می‌کند.

تأثیر روزافزون آراء لکان و دیگر متفکران نزدیک به دوران آلتوسر نشان‌دهنده یک تغییر اساسی در تعریف نظریه انتقادی است که همزمان با شکوفایی دهه پرتنش ۱۹۶۰ شکل گرفته است. این تحول تاریخ‌ساز از خاکستر افول مارکسیسم در مقام عنصر سامان‌بخش غالب و معیار تحلیلی نظریه سر برآورد. پیش از این، آلتوسر اولویت عامل اقتصادی در تحلیل فرهنگ را کنار نهاده بود و در بحبوحه التهابات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که از اواسط دهه ۶۰ میلادی دامن‌گیر دنیای توسعه یافته غرب شده بود، محوریت مارکسیستی نظریه انتقادی به آرامی از تمرکز بر طبقه و زیرساخت اقتصاد دور شد و این تغییر البته با جو متنوع‌تر و به لحاظ سیاسی آزادتر روزگار همسو بود. میشل فوکو، شاگرد و همکار آلتوسر، در اثر معروف خود *نظم/امور*<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) سمت و سوی رویکرد نقد ماتریالیستی را به مسیری تازه و نوآورانه کشاند. آراء فوکو نیز با سلائق فکری روزگار هم‌نوا بودند،

1. Fetishism
2. *The Order of Things*

زیرا «قدرت» در نظریه او که از فلسفه فریدریش نیچه اقتباس شده، تنها از یک مصدر غالب ساطع نمی‌شود، بلکه عمیقاً با ساختار اجتماعی معنا و هویت در تمام مراحل حیات آنها درهم‌تنیده است. فوکو همچنین مفهومی از «گفتمان» را پرورده است که توضیح می‌دهد، چگونه گفتمان‌های حقیقت، حقانیت و قدرت در طی دوره‌های مختلف تاریخی شکل گرفته و این فرایند چه پیامدهای اجتماعی و عقیدتی را در بردارد. نظریات فوکو در این خصوص توجه رویکرد انتقادی را متوجه گفتمان‌هایی کرد که حول مفاهیم «جنون» و جنسیت شکل گرفته بودند. او پیدایش این مفاهیم سرکوب‌گر را ملازم پیشرفت و تحکیم اصول مدرنیته سرمایه‌داری و تمهیدات انضباطی و حقوقی می‌داند که از بنیان‌های ساختار اجتماعی حاکم هستند. ملاحظات فوکو از دهه ۱۹۶۰ به بعد نقشی مهم در پیشرفت و گسترش نظریه انتقادی داشت، اما تأثیر او را در تکثیر و تقویت مباحث نظریه‌ای دیگر که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ شکل گرفته و تثبیت شده، از جمله در خصوص مفهوم جنسیت و رویکرد پسااستعماری (ر.ک. فصل دوازدهم) می‌توان مشاهده کرد.

از چهره‌های شاخص دیگر در این برهه از تاریخ نظریه، ژاک دریدا<sup>۱</sup> است. اهمیت او در گسستن از مارکسیسم سنتی و تأثیر شگرفی است که بر متفکران پس از خود داشت. دریدا در نظریات خود تحت تأثیر نیچه، ادموند هوسرل<sup>۲</sup> و مارتین هایدگر<sup>۳</sup> بود و دو اثر مهم او به نام‌های درباره گراماتولوژی<sup>۴</sup> و نوشتار و تفاوت<sup>۵</sup> به مبحث اغلب مغفول مانده «متافیزیک حضور»<sup>۶</sup> در سنت فلسفی غرب می‌پردازند. دریدا مجدانه در پی اثبات این دو نکته بود که اولاً گفتمان فلسفی به نحوی شکل یافته که گویی در آن رابطه بین دال و مدلول هرگز ساختگی نیست و ثانیاً اینکه معنا همواره حاصل تفاوت است.

از آنجا که ساختارگرایی به درستی مدعی بود که معنی به واسطه تفاوت به وجود می‌آید و هیچ‌گونه ارتباط ناگزیر و منظور شده‌ای بین دال و مدلول یا بین لفظ و مرجع آن وجود ندارد، پس این پنداشت که در حقیقت عنصری «در» زبان وجود دارد که در خارج از ساز و کار معنادهی تفاوت مینا قرار دارد و [در شکل‌دهی به معنی تعیین‌کننده است] محور رویکرد تحلیلی دریدا قرار گرفت. آراء دریدا از این

۱. Jacques Derrida: فیلسوف فرانسوی که در الجزایر زاده شد (۱۹۳۰-۲۰۰۴) -م.

۲. Edmund Husserl: فیلسوف آلمانی، پایه‌گذار پدیدارشناسی (۱۸۵۹-۱۹۳۸) -م.

۳. Martin Heidegger: فیلسوف آلمانی (۱۸۸۹-۱۹۷۶) -م.

4. *Of Grammatology*
5. *Writing and Difference*
6. *metaphysics of presence*

بخش دوم

واژه‌نامه توصیفی

www.booka.ir



[www.booka.ir](http://www.booka.ir)

**آثار برجسته** - در معنای خاص به مجموعه آثار یک نویسنده اشاره دارد که می‌دانیم واقعاً توسط او نوشته شده‌اند. در نظریه انتقادی، این عبارت در مفهومی گسترده‌تر به کار می‌رود و به معنای کل آثاری است که از نظر صاحب‌نظران با ارزش‌ترین نمونه‌های ادبیات تولید شده در یک فرهنگ یا مکتب ادبی خاص محسوب می‌شوند. به طور خلاصه، آثار برجسته عبارتند از تمام آثاری که انتظار می‌رود یک دانش‌آموخته رشته ادبیات انگلیسی خوانده باشد. نظریه انتقادی مدرن مفهوم آثار برجسته را نفی می‌کند و بر این امر تأکید دارد که آثار و نویسندگانی که در این دسته قرار می‌گیرند با انگیزه‌هایی ایدئولوژیک و جهت‌دار انتخاب می‌شوند. این واقعیت مبرهن که آثار برجسته به طور عمده شامل مواردی می‌شوند که توسط نویسندگان مرد، متوفی، بی‌غرض، سفیدپوست و اروپایی نوشته شده‌اند از سوی منتقدان تقریباً همه رویکردهای نقدی به ویژه فمینیسم، زیر سؤال رفته است. بنابراین، مفهوم آثار برجسته متقن را در سال‌های اخیر مطرود دانسته‌اند و این اصطلاح امروزه در بهترین حالت، تنها یک دسته‌بندی تلقی می‌شود که آن نیز همواره مورد تعارض و تقابل واقع می‌شود. سرانجام آنکه، آثار برجسته همواره باید خود را هم‌راستا با متونی بازسازی و به‌روزرسانی

کند که به آن وارد شده یا از آن خارج می‌شود. کریستفر مارلو/ ترجمه عباس گودرزی به فصل‌های ۲ و ۹ و ۱۱ نگاه کنید.

**آگامبن، جورجو (۱۹۴۲-)** - استاد زیبایی‌شناسی دانشگاه ورونا در ایتالیا. تحت تأثیر فیلسوف آلمانی، مارتین هایدگر است که استاد او بود. در کتاب *انسان بدون محتوا* (۱۹۹۹) [۲]، آگامبن تاریخ تفکر اروپا را به دنبال منشأ تحول مفاهیم معاصر زیبایی‌شناسی جست‌وجو می‌کند. او در مهم‌ترین کتابش، *انسان مقدس: حیات برهنه و قدرت حاکم* (۱۹۸۸) [۱] به بررسی تغییرات شگرف در تعریف معنی هنر در ابتدای قرن نوزدهم، سیاست و جامعه می‌پردازد که در آن با تأکید بر تحلیل حاکمیت، اردوگاه‌های کار اجباری و آوارگان جنگی به عنوان خاستگاه‌های نظریه سیاسی معاصر، راه خود را از تحلیل قدرت میشل فوکو جدا می‌کند. آثار او حاوی خوانش‌های قدرتمندی از فلاسفه و نظریه‌پردازانی چون هانا آرنه، والتر بنجامین، میشل فوکو و مارتین هایدگر است.

سایمن مالپاس/ ترجمه محمدعلی نجفی

#### مطالعه بیشتر

[1] Agamben, Giorgio (1998) *Homo*

که عمل اخلاقی بر پایه احترام به وظیفه انجام می‌شود و زمانی خوب است که از این احترام نشأت گرفته باشد. در اینجا، نتیجه عمل، رسیدن به خوشبختی، ارزش ثانویه دارد. اینکه در هر شرایط وظیفه ما چیست، به گفته کانت به امر باید با این فرض قضاوت شود که قرار است تبدیل به یک قاعده رفتاری جهانی شود. کانت به این «توانایی در کاربرد خرد عملی» را برای تولید قواعد رفتاری، خودآیینی اراده می‌نامد و آن را اصل کرامت انسان می‌داند. اشکال تغییر یافته اخلاق کانت همچنان طرفداران زیادی دارد. فلاسفه فرانسوی معاصر مانند ایمنوتیل لیوناس و ژاک دریدا نظریه جهان‌روایی کانت را رد کرده و معتقدند اخلاق در رویارویی منفرد با دیگری ایجاد می‌شود.

رالف استرل / ترجمه محمدعلی نجفی

#### مطالعه بیشتر

[1] Grayling, Anthony C. (ed.) (1997) *Philosophy: A Guide through the Subject*, Oxford: Oxford University Press.

**اریگری، لوس** (۱۹۳۰-) - فیلسوف، روان‌کاو و زبان‌شناسی که نقش بر تولید معنا و فردیت در نظام مردسالاری در بین تأثیرگذارترین نظرات بر نوشته‌های فمینیستی پس از جنگ جهانی دوم در فرانسه است. اگرچه نظریه‌پردازان انگلیسی-آمریکایی یا به دلیل بنیادگرا بودن در بحث تفاوت جنسیتی یا به علت سبک نگارشی شاعرانه و حتی مبهم آثار او را مردود شمرده‌اند، در دهه نود میلادی مداخله او در گفتمان‌های مردسالارانه در میان طیف وسیعی از رشته‌ها مورد توجه قرار گرفت.

*Sacer: Sovereign Power and Bare Life*, trans. Daniel Heller-Roazen, Stanford, CA: Stanford University Press.

[2] Agamben, Giorgio (1999) *The Man without Content*, trans. Georgia Albert, Stanford, CA: Stanford University Press.

**اخلاق** - در یکی از معانی متعددش عبارت از اصول و قواعدی است که بیان‌کننده نحوه رفتار فرد در زمینه کاری خاصی است. برای مثال، پزشکان و وکیلان متعهد به رعایت اصول اخلاقی حرفه خود هستند. قوانین رفتاری اخلاق مسیحیت در «ده فرمان» گنجانده شده‌اند. اخیراً ابعاد اخلاقی علم ژنتیک، بالاخص مطالعات سلول‌های بنیادی مورد بحث بوده است. به طور کلی می‌توان گفت که اخلاق در اینجا به معنای «اخلاق چیزی» تعبیر می‌شود، چرا که منسوب به زمینه کاری خاص است. با این وجود، مباحث عمومی‌تری در زمینه معنای اخلاق نیز وجود داشته است. نظریات اخلاق معمولاً سعی دارند که «باید چگونه رفتار کرد؟» و «زندگی خوب چیست؟» را تعریف کنند. در قرن نوزدهم در انگلیس، جنبشی با نام فایده‌گرایی سعی در تعریف اصولی کرد که مشخص کند چه کاری صحیح یا اشتباه است. چهره‌های اصلی جنبش جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) و جان استوارت میل (۱۸۰۸-۷۳) اعتقاد داشتند عملی صحیح است که بیشترین خوشبختی را برای بیشترین تعداد به دنبال داشته باشد. بنابراین، اصل فایده درست بودن عمل را از نیت خوب یا بد انجام دهنده عمل تفکیک می‌کند. فیلسوف آلمانی، ایمنوتیل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) اصولی اخلاقی تعریف کرد که با فایده‌گرایی متفاوت بود، از این جهت

استفاده می‌کند، باعث شده تا گاهی او را به بنیادگرایی زیست‌شناختی متهم کنند. در هر حال، منتقدان بر سر اینکه نگارش او تا چه حد نشانگر راهبرد مقلدانه است و تا چه حد بنیادگرا است، توافق ندارند.

آکیکو شیمیزو/ ترجمه سوسن پورصنعتی

به فصل‌های ۷ و ۹ نگاه کنید.

#### مطالعه بیشتر

[1] Irigaray, Luce (1985) *This Sex Which Is Not One*, trans. Catherine Porter, Ithaca, NY: Cornell University Press

[2] Irigaray, Luce (1985) *Speculum of the Other Woman*, trans. Gillian C. Gill, Ithaca, NY: Cornell University Press.

**استعمار** - مالکیت عملی و نگهداشت مستعمره‌ها. استعمار متفاوت از امپریالیسم است، گرچه این دو اصطلاح گاهی به جای یکدیگر به کار می‌روند. امپریالیسم سیاست، اعتقاد یا عملکردی است که یک ملت باید بتواند قدرت خود را بر سایر ممالک اعمال کند، اما استعمار مستلزم استقرار و برخورد غالباً آسیب‌زا بین مردم بومی و تازه‌واردان است. استعمار بعضاً نتایج مثبتی هم دارد که البته جای بحث هست، موجب تبادل فرهنگی، توسعه فکری، و شکوفایی اقتصادی می‌شود. ولی منجر به سوءاستفاده‌های مخوفی هم می‌شود که نمونه مشخص آن تجارت برده است.

استعمار پدیده‌ای یکدست نیست و تفاوت‌های زیادی بین نظام‌های استعماری در موقعیت‌های مختلف تاریخی و جغرافیایی وجود دارد. در حالی که تمدن‌های بسیاری در طول

اریگری با کتاب‌های *آیینۀ زن دیگر* (۱۹۷۴)، ترجمه شده به انگلیسی (۱۹۸۵) [۲] و جنسی که جنس نیست (۱۹۷۷)، ترجمه شده به انگلیسی در (۱۹۸۵) [۱] که در آنها از نرینه‌محوری در گفتمان فلسفی غرب، به ویژه در روان‌کاوی، انتقاد کرده است، به طیف گسترده‌ای از منتقدان انگلیسی-آمریکایی معرفی شد. به جای روان‌کاوی لکانی که بدن مرد را مبنای امر خیالی ایده‌آل می‌داند و به خویشتن انسان شکل می‌دهد و در نتیجه زن را به عنوان یک فقدان یا جای خالی نشان می‌دهد، اریگری آیینۀ زن را مبنای قرار می‌دهد که بتواند تفاوت جنسیتی زنان را نشان دهد و امکان شکل‌گیری فردیت زنانه را به وجود آورد. او مدعی است که نرینه‌محوری بر مبنای سرکوب امر زنانه و مادارانه ساخته شده است و در این نظام بی‌تفاوت به جنسیت یا تک‌جنسیتی تنها یک جنسیت موجود است و آن جنسیت مردانه است. از آنجا که زنان از قبل در این نظام حضور داشته‌اند، تنها راه احیای جایگاه استثمار شده آنان تقلید از جایگاه تعیین شده برای زنان در این نظام و به وجود آوردن امر افراط‌آمیز زنانه است. اریگری شخصاً از این روش مقلدانه در نوشته‌های خود استفاده می‌کرد، به این صورت که ابتدا بحث را به گفتمان‌های فلسفی یا روان‌کاوانه اختصاص می‌داد، سپس از میان مباحث همان گفتمان‌ها آنها را به نقد می‌کشید. اگرچه ممکن است به نظر بیاید که سبک مقلدانه اریگری به واسازی شباهت دارد، اما در واقع از دیدگاه او هدف از تقلید بازسازی فردیت زنانه است نه صرفاً واسازی نراندام کلام‌محوری. تأکید او بر فردیت زنانه در کنار استعاره نوازش دو لب که او برای توصیف عملکرد جنسی زنانه در برابر عملکرد جنسی تک‌بعدی مردانه از آن

زمان کارهای استعماری انجام داده‌اند، بیشتر منتقدان بر این باورند که از دوره رنسانس به بعد، کشورهای غرب اروپا شکل جدیدی از استعمار را آغاز کرده‌اند. به قول مارکس و پیروانش تازگی آن ریشه در اقتصاد داشت. امپراتورهای روم، آرتک و مغول پیشاسرمایه‌داری بودند، اما از قرن شانزدهم اروپایی‌ها به سمت مدل استعمار سرمایه‌داری حرکت کردند. استعمارگران سرمایه‌دار به جای آنکه مستقیم دست به غارت بزنند، اقتصاد کشورهای مستعمره را به کل دگرگون می‌کردند. با وضع تعرفه‌های گمرکی استثمارآمیز جلوی صادرات کالاهای مستعمرات را می‌گرفتند و بدین ترتیب صنایع دستی و کارخانه‌ای بومی را نابود می‌کردند. همزمان مواد خام و نیروی کار و بازارهای حاضر و آماده کشورهای تحت کنترل آسیایی و آفریقایی اقتصاد و صنعت رو به رشد استعمارگران اروپایی را تغذیه می‌کرد.

از نظر جغرافیایی، استعمار دو نوع اصلی دارد. در مستعمره‌های مهاجرنشین چون قاره آمریکا و استرالیا تازه‌واردان با توسل به زور مردمان بومی را آواره کردند تا خانه‌هایی دائمی در کشور برگزیده برای خود بنا کنند. در مستعمره‌های اشغالی از جمله هند و نیجریه حاکمان سفید تعدادشان بسیار کمتر از جمعیت بومی بود و به‌ندرت تصمیم می‌گرفتند که در مستعمرات مقیم شوند.

البته استعمار تنها سلطه اقتصادی و سیاسی نیست و آنچه را اسپیواک «سلطه معرفتی»<sup>۱</sup> می‌نامد دربرمی‌گیرد (اسپیواک، ۱۹۸۸a: ۲۸۱).

استیلاهای اقتصادی و سیاسی غرب در قرن‌های هجده و نوزده بدین معنی بود که اندیشه نیز همراه با کالا در مسیرهای تجاری با همان روند تملک و تحمیل امپراتوری سفر می‌کرد. برای مثال، بریتانیایی‌ها اشغال مناطق وسیعی از آسیا و آفریقا را با لفظ پرطمطراق «مأموریت تمدن‌ساز»<sup>۲</sup> توجیه می‌کردند. سیاست‌گذارانی چون تامس مکولی<sup>۳</sup> (۱۸۵۹) استدلال می‌کردند که استعمارگران بریتانیایی جغرافیا، ادبیات، فناوری و علوم پیشرفته را برای تمدن‌های غیرغربی بی‌فرهنگ یا رو به انحطاط به ارمغان می‌برند. استدلال مکولی گرچه خیلی ساده‌انگارانه است، اما با این واقعیت تأیید می‌شود که شمار زیادی از مردمان غیرغربی اندیشه‌های استعمارگران خویش را مفید و روشن‌بینانه می‌دانستند. با وجود این، «مأموریت تمدن‌سازی» استعمارگران با مقاومت نیز روبرو می‌گشت و هر فرهنگی مدام با اندیشه‌های نواز فرهنگ دیگر بارور می‌شد. اما این تبادل هرگز برابر نبود و پافشاری استعمارگران بر درستی جهان‌بینی‌شان خسارت جبران‌ناپذیری به زیرساخت‌ها و نهادهای کشورهای مستعمره و روح و روان شهروندانشان تحمیل می‌کرد.

در دوران استعمار با همه اشخاص مستعمره یکسان برخورد نمی‌شد. برای مثال، فرق بسیار بود بین «خودکم‌بینی فرهنگی» که مهاجران مقیم سفید در قبال معیارهای متعارف زندگی در موطن اصلی داشتند، ستم نژادی که ساکنان کشورهای اشغال شده تحمل می‌کردند و کشتار بومیان مستعمره‌های مهاجرنشین. در هر یک از

1. epistemic violence  
2. civilizing mission  
3. Thomas Macaulay

ضداستعماری نگاهی رؤیایی بود به گذشته پیش از استعمار به عنوان عصری طلایی که با سرنگونی استعمار امکان بازآفرینی آن می‌رفت. برای مثال، جنبش سیاهان ملت‌های فرانسوی زبان حوزه کارائیب و آفریقا متونی را خلق کردند که سیاه بودن و نمونه‌های اجتماعی آفریقا را مورد تجلیل قرار می‌داد. بازنمایی‌هایی چنین کامل و بی‌عیب و نقص از تاریخ و جوامع استعماری راهبردی ضروری در جنبش ضداستعماری بود که موجب افول و سقوط امپراتوری بریتانیا از سال ۱۹۴۷ به بعد شد. با وجود این، می‌توان بحث کرد که نظام استعماری جای خود را به نظم جهانی استعمار نو داده است که در آن کشورهای پیشتر مستعمره همچنان تحت استیلای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اول هستند.

کلیر چیمبرز/ ترجمه حامد حبیب‌زاده

به فصل ۱۱ نگاه کنید.

مطالعه بیشتر

[1] Loomba, Ania (1998) *Colonialism/Postcolonialism*, London: Routledge.

[2] Spivak, Gayatri Chakravorty (1988) 'Can the Subaltern Speak?', in Cary Nelson and Lawrence Grossberg (eds), *Marxism and the Interpretation of Culture*, Basingstoke: Macmillan Education.

**اسطوره** - در دیدگاه رولان بارت، اسطوره هم

نوعی گفتار است هم یک نظام نشانه‌شناختی. گفتمان اسطوره‌ای که اصالت آن با ظاهر یک منشاء بی‌واسطه جایگزین شده است، به تازگی

مستعمره‌های اشغال شده، بریتانیا به ایجاد گروهی ممتاز از «مردان مقلد» طبقه متوسط کمک می‌کرد (ر.ک. به مکولی، ۱۹۹۵). این طبقه ارزش‌های بریتانیا را می‌پذیرفت و درونی می‌کرد و مانند واسطه‌ای بین حاکمان و توده مردم استعمارزده عمل می‌کرد. بریتانیا با همان سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بعضی گروه‌های دینی، منطقه‌ای و زبانی را در برابر سایر گروه‌ها مورد حمایت خود قرار می‌داد.

و بالاخره، زنان «استعمار مضاعفی» را تحمل می‌کردند (پترسن و رادفورد، ۱۹۹۶a)، یعنی هم در راه استعمار هم در رسم مردسالار به آنها ستم می‌شد. گفتمان استعماری غالباً به گونه‌ای بود که زنان غیرعربی را زبانی و سوسه‌آفرین و دارای زیبایی غیرمعمول نشان می‌داد، ولی زنان سفید مظهر فضیلت‌هایی استعمار بودند. «وضعیت بد» زنان آفریقایی و آسیایی تنها بهانه دیگری برای امپراتوری بود. رسمی چون ساتی (خودسوزی زنان شوهرمرده در هند)، ازدواج کودکان و پرده‌نشینی (دورداری زنان از چشم غریبه) در متون مربوط به «مأموریت تمدن‌سازی» به شدت مورد نکوهش قرار می‌گرفت، اما رفتار استعمارگران با زنان شایسته ستایش دانسته می‌شد. علی‌رغم تفاوت در رفتار با اشخاص مستعمره در بافت‌های گوناگون، ایده امپراتوری تأثیر واحدی بر طبقه‌های مختلف در بریتانیا داشت و روشی برای تعریف خود در برابر دیگری مستعمره ارائه می‌داد.

از اوایل قرن بیستم، نخبگان کشورهای مستعمره کم‌کم استعمار را مورد پرسش و تردید قرار دادند. در ابتدا، ویژگی مشخص مبارزات

## نمایه

### (نام‌ها)

- بووار، سیمون دو (S. de Beauvoir) ۳۲،  
۱۶۸، ۱۷۳، ۲۸۵
- پراپ، ولادیمیر (V. Propp) ۴۴، ۵۳، ۵۴، ۵۹،  
۶۰، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۰۷، ۳۳۰
- دریدا، ژاک (J. Derrida) ۲۰، ۳۳-۳۱، ۳۶،  
۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۷-۹۵، ۱۰۱،  
۱۱۰-۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۸، ۱۶۴-۱۵۲،  
۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۲۶، ۲۲۸،  
۲۳۰، ۲۳۲، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۹۴-  
۲۹۶، ۳۰۸-۳۰۶، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۳۳،  
۳۳۹، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷،  
۳۶۰
- دلوز، ژیل (G. Deleuze) ۳۶، ۱۴۸، ۱۴۹،  
۱۹۰، ۲۲۶، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰،  
۳۰۱، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۴۴، ۳۵۴،  
۳۱۹، ۲۹۹، ۲۹۴ (R. Rorty) رورتی، ریچارد
- ژنت، ژراژ (G. Genette) ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۷۲،  
۷۶، ۳۰۲
- سوسور، فردینان دو (F. de Saussure) ۲۶،  
۳۰، ۴۴-۴۰، ۴۸، ۴۹، ۵۴، ۵۹، ۱۰۰، ۱۰۳،  
۱۰۸، ۱۱۴-۱۱۸، ۱۴۲، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۵،  
۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۳-  
۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۷-۳۴۹
- آگامبن، جورجو (G. Agamben) ۲۶۹، ۲۲۹،  
آلتوسر، لویی (L. Althusser) ۳۰-۲۷، ۳۳،  
۳۴، ۸۷، ۱۱۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۹۰، ۱۹۱،  
۲۲۵، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۳۳
- سعید، ادوارد (E. Said) ۴۰، ۳۴، ۷۴، ۲۰۸،  
۲۱۸، ۲۹۹
- اریگری، لوس (L. Irigaray) ۱۵۰، ۱۷۶،  
۲۷۰، ۲۷۱، ۳۰۳، ۳۱۵
- اشتایگلر، برنارد (B. Stiegler) ۲۷۴،  
اِکو، امبرتو (U. Eco) ۱۸۳، ۲۷۵
- ایزر، ولفگانگ (W. Iser) ۶۹، ۲۷۷، ۲۷۸،  
۳۴۹، ۳۶۰
- ایگلتن، تری (T. Eagleton) ۲۳، ۳۴، ۱۹۶،  
باتلر، جودیت (J. Butler) ۹۱، ۹۳، ۹۵،  
۱۴۹، ۱۷۷، ۲۳۲، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۶
- بارت، رولان (R. Barthes) ۲۷، ۴۵، ۴۶، ۵۳،  
۵۵، ۵۶، ۶۸، ۶۹، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۳۸،  
۱۹۰، ۱۹۱، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۰۲، ۳۰۳،  
۳۰۷، ۳۲۵
- بلانشو، موریس (M. Blanchot) ۶۹، ۱۶۱،  
۱۶۲، ۲۳۰
- بودریار، ژان (J. Baudrillard) ۱۸۹، ۲۲۵،  
۲۸۳، ۲۸۴، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۳۰





## فهرست اصطلاحات

- آثار برجسته ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۶۹، ۳۳۳
- اسطوره ۲۷، ۴۵، ۵۳، ۵۹، ۷۸، ۱۹۱، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۰۷
- ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰
- آگزیستانسیالیسم ۲۹۵، ۳۵۴
- امر والا ۲۷۶، ۲۹۴، ۳۳۵، ۳۵۴
- بازنمایی ۲۸، ۷۱، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۱۹-۱۲۱، ۱۲۶-۱۲۷، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۵۱-۲۵۴، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۷۳، ۳۱۴، ۳۰۵، ۲۹۱، ۳۱۷، ۳۱۸
- ۳۲۸، ۳۳۷، ۳۳۹
- بینامتنیت ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۹۲، ۲۸۵، ۳۲۶
- پسافمینیسیم ۹۰، ۲۸۶
- پساحفظه ۲۶۱، ۲۸۸
- پنایتسیسیم ۲۸۷، ۳۰۸، ۳۲۱
- پساساختارگرایی ۱۱، ۹۷-۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۵۱، ۲۸۶، ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۸، ۳۳۹، ۳۵۳
- پسامدرنیسم ۳۵، ۵۷، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۹۴، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۹-۱۹۳، ۲۲۲، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۳۶-۳۳۴
- تفاوت ۲۰، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۳۵
- تفاوت ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰
- جهانی‌سازی ۳۵، ۷۸، ۱۹۷، ۲۲۹، ۳۰۶، ۳۳۰
- حافظه فرهنگی ۲۵۶، ۲۹۰، ۲۹۱
- خورا ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۲۶
- خیالی ۱۸، ۲۹، ۶۷، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲-۱۴۰، ۱۷۷، ۲۲۸، ۲۷۱، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۲
- دال ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۴۸، ۸۸، ۹۹، ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۰-۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۴۴-۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۹۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۹-۳۴۶، ۳۵۹
- دگروارگی ۲۹۴، ۳۲۹
- دیالکتیک ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۴، ۱۶۸، ۲۱۲، ۲۹۶، ۳۰۰
- روشنگری ۲۴، ۲۵، ۸۱، ۸۹، ۱۱۷، ۱۸۹، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۴۰، ۳۵۵، ۳۵۶
- ریزوم ۲۸۳، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۲۹
- ژانر ۵۹، ۸۳، ۱۰۳-۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۳۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۵
- ژوئیسانس ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۳۰۲، ۳۰۳
- سائق ۷۲، ۱۳۳، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۱۵، ۳۱۶

- مدلول ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۴۲، ۲۹۴، ۳۰۷، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۹-۳۴۶، ۳۵۹
- مرحله آینه‌ای ۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۳۳۲، ۳۴۰
- مرحله نمادین ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۹۳، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۴۱
- مردسالاری ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۷۰، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۲
- مصدق ۴۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۴۳، ۳۶۹
- مکتب فرانکفورت ۲۴-۲۶، ۳۴، ۳۶، ۷۸، ۸۲-، ۸۸، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۳۰۵، ۳۵۵
- مکمل ۱۵۶، ۳۴۳
- ناخودآگاه ۴۵، ۵۹، ۷۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۳۲-، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۹۰، ۲۵۲-، ۲۵۴، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۹۶، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۵۳
- نراندام ۳۳، ۲۷۱، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۲
- نراندام- کلام محوری ۳۴۷
- نشانه ۳۰، ۴۸، ۵۰، ۱۴۲، ۱۸۳، ۲۹۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۴، ۳۴۳، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۹
- نظریه دریافت ۶۹، ۳۵۰
- نقد نو ۶۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۲۱۵، ۳۵۰، ۳۵۱
- نگارش زنانه ۱۷۶، ۳۰۹، ۳۵۱، ۳۵۲
- نهاد ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۵۳
- هرمنوتیک ۲۱۲، ۳۲۹، ۳۵۷، ۳۵۸
- ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۳
- سایبورگ ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۲، ۳۰۴، ۳۱۷، ۳۵۶
- سوپرژه ۲۹، ۳۰، ۶۳، ۷۲، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۷-۱۴۲، ۱۴۹، ۱۹۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۹۷-۲۹۲، ۳۰۸-۳۰۳، ۳۱۱، ۳۱۸-۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶-۳۴۴، ۳۵۴-۳۵۵
- صورت‌گرایی روسی ۵۶، ۱۸۳، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۵۹
- عقد ادینب ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۷۱، ۲۹۶، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵
- عقلانیت ابزاری ۲۵، ۸۷
- عقلانیت ارتباطی ۸۶
- فراخود ۱۴۰، ۲۹۲، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۵۴
- فراروایت ۷۱، ۷۲، ۱۸۸، ۲۱۱، ۳۰۲، ۳۱۲، ۳۳۵
- فرازبان ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۳
- فرامتن ۷۰
- فراواقع ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۷
- فضای سایبری ۷۰، ۳۱۷، ۳۱۸
- قطعه‌بندی ۳۲۲، ۳۲۳
- قوم‌مداری ۳۲۳، ۳۵۸
- کژتابی جنسی ۱۹۶، ۳۲۷، ۳۲۸
- کلام محوری ۳۳، ۹۸، ۱۵۴، ۱۵۷، ۲۷۱، ۳۲۸، ۳۴۷
- کلان‌روایت ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۲۳، ۳۲۹
- ماتریالیسم فرهنگ‌ی ۹، ۱۱۵، ۱۲۰-۱۲۳، ۱۲۸-۱۲۶۹، ۲۵۱، ۳۳۸-۳۳۶، ۳۵۵
- متافیزیک ۳۱، ۸۸، ۹۴، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۴۰، ۲۹۶، ۳۱۶، ۳۴۰-۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۷
- محاکات ۷۴، ۱۸۳، ۳۱۴، ۳۳۹